الزامات ناظر بر ارکان اداره و حسابرسی شرکت‌های سهامی در چهارچوب اصول حاکمیت شرکتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، انگلستان و ایالات متحده)

سید محمدرضا حسینی[*]

دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع) تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۶ /۰۹/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۷ /۰٤/۱۹

چکیده

حاکمیت شرکتی در مقام تعریف به معنای نظامی از مقررات‌گذاری و نظارت بر عملیات شرکت به‌منظور تعادل بخشی به منافع ذینفعان به‌منظور اطمینان از رفتار مسؤولانه شرکت و اطمینان از دستیابی به حداکثر سطح کارآیی و سودآوری برای شرکت به کار رفته است. در این معنای موسع حاکمیت شرکتی، حقوق شرکت‌ها برابری می‌کند. در معنای مضیق حاکمیت شرکتی، الزاماتی در اداره و حسابرسی شرکت‌های سهامی است که پس از رسوایی‌های شرکت‌های بزرگ آمریکایی در اوایل قرن ۲۱ و با تصویب قانون ساربنز_اکسلی معرفی شد. جمع‌بندی مطالعات در موضوع نشان می‌دهد که مجموعه این الزامات با تفسیر مضیق را می‌توان در سه گروه الزامات

---

[*] نویسنده مسؤول مقاله: Email: Hosseini.mo@seo.ir

ناظر بر ارکان اداره شرکت، الزامات ناظر بر حسابرسی از شرکت و الزامات حمایت از سهام‌داران طبقه‌بندی کرد.

در این مطالعه، ضمن شمارش الزامات ناظر بر ارکان اداره و حسابرسی شرکت، حقوق کشورهای ایران، ایالات متحده آمریکا و انگلستان با یکدیگر مقایسه شده است. نتیجه تحقیق در مورد حقوق ایران نمایانگر این نکته است که اگرچه در مقررات ناظر بر شرکت‌های سهامی عام ثبت شده در سازمان بورس اوراق بهادار، برخی از الزامات پیش‌گفته دیده شده است، اما برای ارتقای نظام حقوقی کشور به سمت حاکمیت شرکتی کارآمد بسیاری از قواعد حقوقی از جمله تعریف استقلال مدیر، لزوم اکثریت اعضای مستقل در هیأت مدیره، لزوم ایجاد کمیته‌های هیأت مدیره، ایجاد حسابرسی داخلی، درنظرگرفتن شرایط استقلال برای حسابرس و بازنویسی وظایف بازرس در قانون تجارت نیازمند تغییر است.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، مطالعه تطبیقی، اداره شرکت‌های سهامی، تحلیل اقتصادی حقوق، حقوق و اقتصاد.

۱. مقدمه

نخستین تلاش‌ها برای تعریف حاکمیت شرکتی را می‌توان مربوط به گزارش کدبری انگلستان[۱] در سال ۱۹۹۲ و گزارش کینگ آفریقای جنوبی[۲] در سال ۱۹۹٤ دانست که حاکمیت شرکتی را به‌عنوان «نظامی که بر اساس آن شرکت اداره و کنترل می‌شود» تعریف کرده‌اند (Du Plessis, Hargovan, and Bagaric 2010, P.3). در مطالعه دیگری که

---

1. Cadbury 1992
2. Governance and Directors 2002

به‌عنوان پیش‌زمینه گزارش اون[۱] در استرالیا منتشر شد، تعریف جامع‌تری به شرح زیر ارائه‌شده است:

«حاکمیت شرکتی به‌طور عام به معنی چهارچوب قانونی و سازمانی و اصول و فرآیندهایی است که به‌وسیله آن شرکت اداره می‌شود. به معنای خاص، حاکمیت شرکتی به معنای اختیارات، نحوه نظارت و محاسبه و ارتباطات بین افرادی است که در هدایت و کنترل شرکت نقش دارند. در میان این افراد، هیأت‌مدیره و مدیر نقش اساسی را دارند. علاوه بر این، جنبه‌هایی از نظام حاکمیت شرکتی نیز وجود دارد که رابطه میان سهام‌داران و شرکت را تعیین می‌کند» (Du Plessis, Hargovan, and Bagaric 2010, P. 5). در تعریف دیگر آمده است: حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از سازوکارهای نهادی و سازمانی است که اختیارات مدیران و تصمیمات ایشان را تعیین می‌کند. برای مثال «اَعمال» آن‌ها را تنظیم کرده و محدوده فعالیت ایشان را تعیین می‌کند (Naciri 2008, 3).

نگاهی جامع به این تعاریف مؤید این است که تفاوت بین تعاریف حاکمیت شرکتی بسته به این است که آیا نظام حاکمیت شرکتی، جنبه سهام‌داران را در نظر دارد، یا با رویکردی گسترده‌تر جنبه تمامی ذینفعان شرکت را در نظر می‌گیرد،[۲] با در نظر گرفتن این تفاوت، تعریف زیر را می‌توان به‌عنوان تعریف منتخب از عبارت حاکمیت شرکتی ارائه کرد:

---

[۱] Owen report

[۲] در مورد جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی (حمایت از ذینفعان یا سهامداران) و چرایی پذیرفتن جنبه ذینفعان، به منابع زیر رجوع شود: (Mallin 2011, Rezaee 2008, مشایخی and شاکری ۱۳۹۳)

«نظامی از مقررات گذاری و نظارت بر عملیات شرکت به‌منظور تعادل بخشی به منافع همه ذینفعان داخلی شرکت و دیگر ذینفعان (اعم از ذینفعان خارجی، دولت و جوامع محلی) که از رفتار شرکت متأثر می‌شوند، به‌منظور اطمینان از رفتار مسؤولانه شرکت و اطمینان از دستیابی به حداکثر سطح کارآیی و سودآوری برای شرکت». بنابراین، مهم‌ترین اجزای تعریف حاکمیت شرکتی عبارت است از:

- نظام مقررات گذاری و نظارت بر عملیات شرکت،
- منافع همه ذینفعان داخلی و دیگر ذینفعان را که ممکن است تحت تأثیر عملیات شرکت قرار بگیرند در نظر گرفته است،
- هدف آن اطمینان از رفتار مسئولانه شرکت‌ها است،
- هدف نهایی آن دستیابی شرکت به بالاترین سطح از کارآیی و سودآوری است (Du Plessis, Hargovan, and Bagaric 2010, P.10).

مطالعه مجموعه ادبیات موجود در حوزه حاکمیت شرکتی، نشان می‌دهد برای استقرار نظام حاکمیت شرکتی متناسب الزاماتی حداقلی مورد نیاز است که در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۱- الزامات حاکمیت شرکتی[1]

شماره	گروه	توضیح	
۱	قاعده گذاری	وضع قواعد حاکمیت شرکتی در قالب قانون مستقل و آمره	

---

[1] این جدول بر اساس منابع زیر تهیه شده است: (مشایخی و شاکری ۱۳۹۳, یگانه ۱۳۸٤, ندری و حسینی ۱۳۹٤, یحیی‌پور ۱۳۹٤)

۲	الزامات ناظر بر اداره شرکت	اکثریت مدیران مستقل غیرموظف	
۳		تفکیک پست مدیرعامل از رئیس هیأت‌مدیره	
٤		کمیته‌های هیأت‌مدیره	کمیته حسابرسی
٥			کمیته تعیین نامزدها
٦			کمیته حقوق و مزایا
۷	الزامات ناظر بر حسابرسی	حسابرس داخلی	
۸		مستقل	
۹	الزامات ناظر بر حمایت از سهام داران	دعوای مشتق	
۱۰		معامله با اشخاص وابسته	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در این نوشتار، الزامات حاکمیت شرکتی فوق در کشورهای منتخب در چهار مبحث بررسی می‌شود. در مبحث اول، این نکته بررسی خواهد شد که قواعد حاکمیت شرکتی در کشورهای ایالات متحده، انگلستان و ایران برای شرکت‌های سهامی الزام آور هستند یا خیر. در مبحث دوم اصول حاکمیت شرکتی ناظر بر اداره شرکت بررسی خواهد شد. در پی آن، مبحث سوم به الزامات ناظر بر حسابرسی شرکت اختصاص دارد.[1]

---

[1] لازم به توضیح است، همانگونه که در مقدمه اشاره شد، حاکمیت شرکت در معنای موسع شامل تمامی قواعدی است که بر اداره شرکت‌های سهامی تأثیرگذار است و از این جهت با «حقوق شرکت‌های سهامی» تطابق دارد مطالعه تطبیقی تمام این قواعد نیازمند تحقیقات متعدد و مستقل است که در آثار متعدد مورد بررسی قرار گرفته است. هدف تحقیق پیش رو، بررسی جنبه‌هایی از اداره و حسابرسی شرکت است که در ادبیات مالی تحت عنوان «حاکمیت شرکتی به معنای خاص آن» شناخته می‌شود. علاوه بر این، الزامات ناظر بر حمایت از سهامداران از جمله دعوای مشتق و معامله

۲. رویکردهای وضع قواعد حاکمیت شرکتی

بررسی نظام‌های حقوقی کشورهای منتخب در حوزه حاکمیت شرکتی نمایشگر دو رویکرد در وضع این قواعد است. رویکرد اول که در ایالات‌متحده رواج دارد، رویکرد «قاعده محور»[۱] و وضع قواعد آمره حاکمیت شرکتی در قالب قوانین شرکت‌ها و یا تجارت و یا قوانین خاص اوراق بهادار است. برای نمونه می‌توان به قانون ساربنز آکسلی[۲] و داد فرانک[۳] و همچنین مقررات کمیسیون بورس و اوراق بهادار در حقوق آمریکا اشاره کرد. در این رویکرد، استانداردهای مورد نظر قانون‌گذار برای شرکت‌های ثبت شده، لازم‌الاجرا است و تخطی از اجرای آن‌ها با ضمانت اجراهای قانونی همراه خواهد شد. رویکرد دوم، «رویکرد اصل محور»[٤]، است که در انگلستان رواج دارد. در انگلستان، گزارش‌های مختلفی که در مورد استانداردهای حاکمیت شرکتی و رویه‌های حاکمیت شرکتی خوب تهیه‌شده، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌کند تا اصول حاکمیت شرکتی را در ساختار خود پیاده‌سازی کنند. عدم تطبیق با مفاد این گزارش‌ها، تنها شرکت را مکلف می‌کند موضوع را به مجمع عمومی سهام‌داران گزارش کند. رویکرد دوم که بر مبنای اصل «منطبق شو یا

با اشخاص وابسته که در تحقیقات مستقل دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند از بررسی در این نوشتار خارج شده‌اند. (جدول ۱)

[۱] Rule-based approach

[۲] Sarbanes-Oxley Act of 2002 (SOX)

[۳] The Dodd–Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act 2010

[٤] Principle based approach

توضیح بده[1]» شکل‌گرفته است، ضمانت اجرای وضع قواعد حاکمیت شرکتی را به بازار می‌سپارد. درواقع این سرمایه‌گذاران بازار سرمایه هستند که درنهایت تصمیم می‌گیرند تا از طریق عدم تقاضای سهام شرکت‌هایی که استانداردهای حاکمیت شرکتی را رعایت نمی‌کنند، شرکت را وادار به اعمال این قواعد نمایند (Tricker 2015, P.136).

در ایران، مقررات ناظر بر الزامات حاکمیت شرکتی در بازار سرمایه، بازار پول و بازار بیمه به‌طور جداگانه قابل بررسی است. در بازار سرمایه، «دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران»، مصوب ۱۳۹۱، «منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام)» مصوب ۱۳۹۱، «اساسنامه نمونه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار»، مصوب ۱۳۸٦ و «دستورالعمل منشور فعالیت حسابرسی داخلی مصوب ۱۳۹۱» مهم‌ترین مصوبات هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار هستند که الزامات حاکمیت شرکتی را می‌توان در آن‌ها جستجو کرد. علاوه بر این، آیین‌نامه پیشنهادی «نظام راهبری شرکتی» مصوب ۱۳۸٦ هیأت مدیره شرکت بورس ایران، بسیاری از الزامات حاکمیت شرکتی را در خود جاداده است، اما به دلیل اینکه به تصویب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار نرسیده است اجرای آن برای شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان الزامی نیست. در بازار پول، عمده اسنادی که مقوله حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده‌اند، الزام آور نیست و نوعی رهنمود به شرکت‌های تحت نظارت بانک مرکزی محسوب می‌شوند. از این میان می‌توان به «اصول ١٤ گانه حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی بال»، «مدل نظارتی بانک مرکزی اسپانیا» و «مقررات مربوط به سیستم‌های داخلی و کنترل داخلی بانک‌ها در

---

[1] Comply or explain

کشور ترکیه» اشاره کرد. از میان بخشنامه‌های الزام‌آور نیز می‌توان به «بخشنامه صورت‌های مالی نمونه، در تاریخ ۱۳۹٤/۱۱/۲٥ به شماره ٩٤/٣٤٣٧٢٣، جهت اجرا و تنظیم صورت‌های مالی سال ۱۳۹٤ و سال‌های آتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی ابلاغ شده و مصوبه شورای پول و اعتبار با عنوان «ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری»، که در تاریخ ۱۳۹۳/٥/۲ طی شماره نامه ۹۳/۱۲۰۲۹۳ جهت اجرا به اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی ابلاغ شده است، اشاره کرد. در بازار بیمه، الزامات حاکمیت شرکتی در قالب مصوبات شورای عالی بیمه و هیأت عامل بیمه مرکزی تصویب و اجرایی شده است. از مهم‌ترین این مصوبات می‌توان به مصوبه شورای عالی بیمه در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۹ در مورد «صورت‌های مالی نمونه»، مصوبه شورای عالی بیمه با عنوان «آیین‌نامه نحوه احراز صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی و عملیاتی مؤسسات بیمه» در تاریخ ۱۳۹٤/۳/۲٦، مصوبه هیأت عامل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران با عنوان «دستورالعمل بررسی صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی مؤسسات بیمه»، در تاریخ ۱۳۹٤/۷/۱۲ ومصوبه شورای عالی بیمه با عنوان» آیین‌نامه گزارشگری و افشای اطلاعات مؤسسات بیمه» در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲٥را نام برد.

بررسی مقررات ناظر بر حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد به‌رغم اینکه در مورد شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، بحث حاکمیت شرکتی مطرح بوده و مقررات مختلفی در مورد این شرکت‌ها وضع‌شده است،[1] اما در دو بازار پول و

---

[1] برای مطالعه در مورد اصلاحات لازم برای ارتقای نظام حاکمیت شرکتی در ایران ر.ک: (پورسید و همکاران، ۱۳۹٥، حسینی و همکاران ۱۳۹٦)

بازار بیمه، توجه به مقوله حاکمیت شرکتی نسبتاً جدید است و مقررات موجود نیاز به بازبینی دارد. در این نوشتار، مباحث مربوط به حقوق ایران با توجه به مقررات حاکم بر بازار سرمایه مورد نظر قرار گرفته است.

۳. الزامات ناظر بر ارکان اداره

استقلال، مهم‌ترین الزامی است که ارکان اداره شرکت (اعضای هیأت مدیره و مدیران) باید واجد آن باشند. قریب به اتفاق نظام‌های حاکمیت شرکتی در جهان، بر حضور مدیران مستقل در شرکت تأکید کرده‌اند. در بعضی کشورها حتی اکثریت داشتن مدیران مستقل در شرکت نیز مورد توجه بوده است. علاوه بر این، وجود کمیته‌های هیأت مدیره نیز نقشی اساسی در حاکمیت شرکت در جهت حفظ منافع سهام‌داران دارند. این کمیته‌ها از اعضای مستقل هیأت مدیره تشکیل می‌شوند و بنابراین، انتظار می‌رود در تصمیم‌گیری‌های خود منافع شرکت را بر منافع شخصی اولویت بخشند. در این بخش، استقلال مدیران، لزوم تفکیک پست ریاست هیأت مدیره از مدیریت عامل و کمیته‌های هیأت مدیره به ترتیب بررسی می‌شود.

۳-۱. استقلال مدیران و اکثریت اعضای مستقل در هیأت مدیره

اگرچه قانون ساربنز آکسلی مفادی را در مورد عضویت اعضای مستقل هیأت مدیره در کمیته حسابرسی بیان کرده، اما تعریف عبارت «استقلال[۱]» را به مقررات تشکل‌های خود

---

[۱] independency

انتظام سپرده[۱] (بطور معمول بورس‌ها) است. در بخش ۹۵۲ قانون داد فرانک، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ملزم شده است تا بورس‌های اوراق بهادار را جهت داشتن کمیته جبران با اعضای مستقل کند. اگرچه در این قانون عبارت استقلال تعریف نشده است، اما بورس‌ها باید با در نظرگرفتن دو عامل، این مفهوم را توضیح دهند. نخست، در نظرگرفتن منابع جبران خدمات مدیر شامل هر نوع راهنمایی، مشاوره و دیگر پرداخت‌های جبرانی که از طرف شرکت به مدیر می‌شود و دوم اینکه آیا مدیر شخص وابسته[۲] شرکت یا زیرمجموعه‌های شرکت محسوب می‌شود یا خیر.

در راستای اجرای این تکلیف قانونی، «الزامات پذیرش بورس نیویورک»، در چارچوب اختیارات اعطایی بخش ۱۹ (ب)(۱)[۳] قانون بورس اوراق بهادار ۱۹۳٤ مبنی بر صلاحیت مقررات‌گذاری تشکل‌های خودانتظام، ضوابطی برای تعریف مدیر مستقل در نظر گرفته شده است.[٤]

---

[۱] Self-regulatory organizations (SROs)

[۲] Affiliated person

[۳] Section 19(b)(1)

[٤] «۲) برای محدود کردن مفهوم «مدیر مستقل» برای مشخص شدن مقصود این استانداردها:

الف-۱) هیچ مدیری مستقل شناخته نخواهد شد مگر اینکه هیأت مدیران تأیید کنند که مدیر هیچ رابطه با اهمیتی٤ یا شرکت پذیرفته شده ندارد (چه بصورت مستقیم یا به عنوان شریک، سهام‌دار یا کارمند سازمانی که با شرکت مرتبط است). شرکت‌ها باید این تصمیم خود را افشا کنند.

الف- ۲) علاوه بر این، در تعیین استقلال مدیرانی که به عنوان عضو کمیته جبران در شرکت‌های پذیرفته شده حضور دارند، هیأت مدیران باید تمام جوانب را در مورد اینکه مدیر رابطه‌ای با شرکت دارد که اساسی و بااهمیت تلقی شود که به مدیر این توانایی را بدهد تا بتواند مستقل از مقامات اجرایی شرکت و در راستای وظایف خود به عنوان عضو کمیته جبران، انجام دهد یا خیر. برخی از مواردی که باید توسط هیأت مدیره در نظر گرفته شود، و نه محدود به آن‌ها، بصورت زیر است:

در انگلستان، استقلال مدیران و کمیته‌های مرتبط با هیأت مدیره، در بخش «ب» استانداردهای حاکمیت شرکتی ۲۰۱٤، مورد تأکید قرار گرفته است. در این سند، مقرر

منبع جبران خدمات این مدیر، شامل جبران‌های ناشی از راهنمایی، مشاوره یا دیگر خدمات که توسط شرکت پذیرفته شده پرداخت می‌شود،

آیا این مدیر وابسته به شرکت، زیرمجموعه‌های شرکت یا وابسته به یکی از اشخاص وابسته به شرکت، محسوب می‌شود یا خیر.

ب) در موارد زیر نیز مدیر مستقل نیست:

ب- ۱) مدیر، یا بستگان نزدیک وی، در حال حاضر یا در طول سه سال گذشته، کارمند یا مقام اجرایی شرکت پذیرفته شده بوده باشد؛

ب-۲) مدیر، یا بستگان نزدیک وی، در دوازده ماه طی سه سال گذشته، بیشتر از ۱۲۰ هزار دلار از شرکت پذیرفته شده، تحت عنوان حقوق مدیریتی و عضویت در کمیته و حقوق بازنشستگی یا دیگر اشکال پرداخت‌های معوق برای خدمات گذشته (بصورتی که این جبران معلق بر انجام خدمتی در آینده نباشد) دربافت کرده باشد؛

ب- ۳)مدیر در حال حاضر شریک یا کارمند بنگاهی باشد که حسابرس داخلی یا خارجی شرکت محسوب می‌شود؛

مدیر بستگان نزدیکی داشته باشد که شریک چنین بنگاهی باشد؛

مدیر بستگان نزدیکی داشته باشد که کارمند چنین بنگاهی باشد و شخصا در شرکت به عنوان حسابرس فعالیت کند؛

مدیر یا بستگان نزدیک وی در طول سه سال گذشته شریک یا کارمند چنین بنگاهی باشد و در آن زمان شخصا به عنوان حسابرس شرکت فعالیت کرده باشد.

ج) مدیر یا بستگان نزدیک وی، در حال حاضر یا در طول سه سال گذشته، به عنوان مقام اجرایی شرکت دیگری که یکی از مقامات اجرایی شرکت فعلی در آن زمان به عنوان عضو کمیته جبران حضور داشته، فعالیت می‌کرده است.

د) مدیر یا بستگان نزدیک وی، به عنوان مقام اجرایی فعلی شرکتی که دریافت یا پرداختی به شرکت پذیرفته شده در راستای انتقال مالکیت یا انجام خدمات بیشتر از ۱ میلیون دلار یا بیشتر از ۲٪ درآمد ناخالص انجام داده، فعالیت دارند».

شده است حداقل نصف اعضای هیأت مدیره – به غیر از رئیس- مدیران غیرموظف مستقل باشند. همچنین هیأت مدیره باید در گزارش سالیانه خود مدیران غیرموظف را به مجمع سهام‌داران معرفی کند.[۱]

در حقوق ایران، مفهوم استقلال مدیران در مقررات مربوط به قانون بازار اوراق بهادار تنها در «منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام)» تعریف شده است. این دستورالعمل در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، در سال ۱۳۹۱ به تصویب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده است.[۲]

اگرچه این بند، تعریفی کلی از استقلال عضو هیأت مدیره را بیان کرده، اما در یادداشتهای توضیحی مصادیقی از رابطه با شرکت که استقلال عضو را خدشه‌دار می‌کند را توضیح داده و تشخیص استقلال یا عدم استقلال عضو هیأت مدیره را به «مقام انتخاب کننده» که در مورد اعضای هیأت مدیره، مجمع عمومی سهام‌داران خواهد بود، سپرده است. نتیجه اینکه در حقوق ایران، تکلیفی برای استقلال اکثریت اعضای هیأت مدیره وجود ندارد، با این وجود تبصره ۲ ماده ۲۷ «اساسنامه نمونه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته

---

[۱] «هیأت مدیره باید در گزارش سالیانه خود مدیران غیرموظف را که مستقل درنظرگرفته به مجمع معرفی کند. هیأت مدیره باید تعیین کند که آیا مدیر در شخصیت و قضاوت خود مستقل است یا خیر و آیا روابط و یا شرایطی وجود دارد که احتمال برود (به دلیل وجود آن شرایط) بر قضاوت مدیر تأثیرگذار باشد یا خیر. در این حالت، هیأت مدیره باید استدلالات خود را در مورد عدم تأثیرگذاری این شرایط بر تصمیم مدیر غیرموظف مستقل بیان کند.» Uk corporate governance act B.1.1

[۲] بند ۱ از ماده ۱ این دستورالعمل، عضو مستقل را به شرح زیر تعریف می‌کند:

«عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد».

شده در بورس اوراق بهادار»، شرکت‌ها را موظف کرده است حداقل یکی از اعضای هیأت مدیره باید غیرموظف و دارای تحصیلات مالی (حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) و تجربه مالی مرتبط باشد.[۱]

۳-۲. تفکیک پست مدیرعامل از رئیس هیأت‌مدیره

در ایالات متحده، قاعده افشای نمایندگی که در سال ۲۰۱۰ برای شرکت‌های پذیرفته شده توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار تصویب و الزامی شد، شرکت‌ها را موظف می‌کند که افشا کنند که آیا جایگاه ریاست هیئت مدیره و مدیرعامل را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند یا خیر. در هر صورت شرکت باید دلایل تصمیم خود را بیان کند. علاوه بر این، در برخی از شرکت‌ها نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره ترکیب شده است، و یک مدیر مستقل ریاست جلسات مدیران مستقل را بر عهده دارد. در این شرکت‌ها لازم است افشا شود، به چه دلیلی مدیر مستقل رهبر برای شرکت انتخاب شده و نقش و مسؤولیت‌های او در شرکت چیست؟[۲]

در انگلستان، بند A.2.1 استانداردهای حاکمیت شرکتی مقرر می‌کند که نقش‌های ریاست هیأت مدیره و مدیرعامل نباید توسط یک نفر اجرایی شود. همچنین، تفکیک مسؤولیت‌ها بین رئیس و مدیرعامل باید بطور شفاف مشخص شده باشد. این تفکیک وظایف باید به-

---

[۱] تبصره ۲ ماده ۲۷، اساسنامه نمونه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، مصوب ۱۳۸٦ هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار.

[۲] Proxy Disclosure Enhancements,” Securities and Exchange Commission Final Rule, adopted December 16, 2009, effective February 28, 2010.

صورت مکتوب تهیه شده و به امضای هیأت مدیره برسد.[۱] علی‌رغم این تأکید، بند A.3.1 پس از تأکید بر لزوم جدایی ریاست هیأت مدیره از مدیرعامل، در عین حال به هیأت مدیره اجازه می‌دهد «در صورت تصمیم به جمع‌شدن این وظایف در شخص واحد، پیش از تصمیم‌گیری با سهام‌داران عمده مشورت کرده و دلایل تصمیم خود را در زمان تصمیم و در گزارش سالیانه به اطلاع سهام‌داران برساند.»

در حقوق ایران، با رعایت نصاب ماده ۱۲٤ لایحه اصلاحی، ممنوعیتی برای تصدی همزمان ریاست هیأت مدیره و مدیریت عامل توسط یک شخص، وجود ندارد.

۳-۳. کمیته‌های هیأت‌مدیره

در آمریکا، تشکیل هر سه کمیته حسابرسی، جبران و تعیین نامزدها اجباری است. این الزامات قانونی، بر اساس قواعد کمیسیون بورس و اوراق بهادار الزامی شده است. در الزامات بورس نیویورک، علاوه بر کمیته حسابرسی، شرکت‌ها باید کمیته‌های انتخاب تعیین نامزد[۲] یا حاکمیت شرکتی و جبران[۳] را نیز ایجاد کنند.

در انگلستان، استانداردهای حاکمیت شرکتی به شرکت‌ها پیشنهاد می‌کنند هر سه کمیته حسابرسی، حق‌الزحمه و تعیین نامزدها را متشکل از اعضای مستقل هیأت مدیره، تشکیل دهند.

---

[۱] The UK Corporate Governance Code. A.2.1

[۲] Nominating

[۳] compensation

۳-۳-۱. کمیته حسابرسی[۱]

قانون ساربنز-آکسلی بطور گسترده ترکیب و کارکرد این کمیته را تعیین کرده است. قانون ساربنز آکسلی در بخش ۳۰۱، بخش ۱۰A قانون بورس اوراق بهادار ۱۹۳۴[۲] را اصلاح کرده و کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده را موظف کرده است ظرف مدت ۲۷۰ روز پس از اجرایی شدن قانون، قواعدی را در مورد بورس‌های اوراق بهادار ملی و اتحادیه‌های اوراق بهادار ملی وضع کند و انتشار و مبادله اوراق بهادار هر ناشری که وضعیت خود را با مفاد بندهای ۲ الی ٦ این بخش تطبیق ندهد، ممنوع اعلام کند.[۳] بند ۲ این بخش در خصوص مسؤولیت‌های مرتبط با بنگاه‌های حسابرسی[٤] ثبت شده است. در این بند کمیته حسابرسی ناشر، به عنوان کمیته هیأت مدیره، مسؤول مستقیم انتخاب، جبران و نظارت بر بنگاه‌های حسابرسی ثبت شده است که توسط ناشر به‌کارگیری می‌شود.[٥]

این تکلیف قانونی قانون ساکس، تحت عنوان «استانداردهای مرتبط با کمیته‌های حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده[٦]» توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده منتشر شده است.[۷] البته این قواعد، حوزه‌های قاعده‌گذاری توسط تشکل‌های

---

[۱] audit committee

[۲] The Securities Exchange Act 1934 section 10A (m) (3)

[۳] Sec 301. 1. A

[٤] REGISTERED PUBLIC ACCOUNTING FIRMS

[٥] Sec 301. 2

[٦] STANDARDS RELATING TO LISTED COMPANY AUDIT COMMITTEES

[۷] https://www.sec.gov/rules/final/33-8220.htm

خودانتظام را بازگذاشته و تنها نوعی تفسیر و شفاف‌سازی قانون مبنا به شمار می‌آید. برای مثال باید گفت این قاعده در پی تعریف استقلال نبوده و آن را به مقررات بورس‌ها و تشکل‌های خودانتظام محول کرده است.

در الزامات پذیرش بورس نیویورک، شرکت پذیرفته شده باید یک کمیته حسابرسی شامل حداقل سه عضو داشته باشد.[۱] اعضای کمیته حسابرسی باید شرایط استقلال بخش ۳۰۱ قانون ساربنز-آکسلی را داشته باشند.[۲] در صورتی‌که شرکت شرایط تطبیق با الزامات پیش‌گفته را به دلیل از بین رفتن وصف استقلال یکی از اعضا و به دلیل شرایطی که خارج از کنترل اعضای کمیته است از دست بدهد، عضو می‌تواند تا اولین مجمع سالیانه سهام‌داران یا یک سال بعد از عدم تطبیق در کمیته حضور داشته باشد.[۳] علاوه بر این، اعضای کمیته حسابرسی باید با مباحث مالی آشنایی داشته باشند و لازم است یکی از اعضا متخصص در زمینه‌های مدیریت مالی و حسابرسی باشد.[٤] کمیته حسابرسی، مسؤول مستقیم به‌کارگیری و اخراج حسابرسان مستقل است.[٥]

در انگلستان، هیأت مدیره باید کمیته حسابرسی را متشکل از حداقل سه عضو یا در شرکت‌های کوچک‌تر یا دو عضو از مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد. در شرکت‌های کوچک‌تر رئیس هیأت مدیره می‌تواند عضو و نه رئیس کمیته باشد. حداقل یکی از اعضای کمیته حسابرسی باید دارای تجربیات مالی مرتبط باشد.[٦]

---

[۱] NYSE Listed Company Manual Section 303A.07(a)

[۲] NYSE Listed Company Manual Sections 303A.06

[۳] Commentary to NYSE Listed Company Manual Section 303A.06.

[٤] Commentary to NYSE Listed Company Manual Section 303A.07(a)

[٥] NYSE Listed Company Manual Section 303A.06.

[٦] UK corporate governance code C۳,۱.

در ایران، «منشور کمیته حسابرسی شرکت‌های سهامی عام» که در اجرای ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران به تصویب هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار رسیده است، ناشران را موظف می‌کند کمیته حسابرسی تشکیل دهند. این کمیته از سه تا پنج عضو مستقل دارای تخصص مالی، تشکیل می‌شود. ریاست کمیته با یکی از اعضای مستقل یا عضو غیرموظف مالی (منظور عضو دارای تخصص مالی است) هیأت مدیره خواهد بود.[۱] از جمله مهم‌ترین این اختیارات کمیته حسابرسی (ماده ۳) می‌توان به استخدام مشاوران ذی‌صلاح در صورت نیاز، دسترسی نامحدود به مدیران، کارکنان و اطلاعات مورد نیاز شرکت، وضع رویه‌هایی برای دریافت، نگهداری و رسیدگی به شکایت‌ها و گزارش‌های تخلف دریافتی در رابطه با گزارش‌گری مالی و کنترل‌های داخلی و یا سایر موضوعات مربوط به شرکت و شرکت‌های فرعی اشاره کرد.

۳-۳-۲. کمیته تعیین نامزدها[۲]

در ایالات متحده، نه قانون داد فرانک و نه قانون ساربنز-آکسلی نقش یا تشکیل کمیته‌های تعیین نامزدها و حاکمیت شرکتی را مورد اشاره قرار نداده‌اند. به‌رغم این موضوع، الزامات پذیرش بورس نیویورک همه شرکت‌های پذیرفته‌شده را ملزم به داشتن کمیته تعیین نامزدها/حاکمیت شرکتی متشکل از مدیران مستقل می‌کند.[۳] همانند کمیته‌های

---

[۱] ماده ۳ دستورالعمل منشور کمیته حسابرسی.

[۲] nomination committee

[۳] NYSE Listed Company Manual Section 303A.04 (a).

حسابرسی، این کمیته نیز باید دستورالعمل مکتوبی داشته باشد که در سایت شرکت به رویت سهام‌داران و عموم برسد.[۱]

در انگلستان، یک کمیته تعیین باید وجود داشته باشد که فرآیند انتخاب اعضای هیأت مدیره را هدایت کرده است و پیشنهادهایی برای انتخاب اعضا داشته باشد. اکثریت اعضای کمیته تعیین باید مدیران مستقل غیرموظف باشند. ریاست هیأت مدیره یا یکی از مدیران مستقل غیرموظف می‌تواند ریاست کمیته را عهده‌دار شود اما در حالتی که موضوع انتخاب جانشین برای ریاست است، رئیس هیأت مدیره نمی‌تواند رئیس کمیته باشد. کمیته تعیین باید.[۲] همچنین بند دیگر استانداردها، کمیته تعیین را موظف می‌کند تا مهارت‌ها، تجربیات، استقلال و دانش هیأت مدیران را ارزیابی کرده و بر اساس این ارزیابی‌ها توصیفی از نقش و ظرفیت‌های لازم برای تعیین اعضای جدید را ارائه کند.[۳]

در ایران اگرچه آیینامه نظام راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار، شرایط تعیین نامزدها برای تصدی پست هیأت مدیره را برشمرده، اما کمیته‌ای با نام کمیته تعیین نامزدها پیش-

---

[۱] در این دستورالعمل وظایف و اختیارات این کمیته تعیین خواهد شد که باید موارد زیر را نیز شامل شود:

- شناسایی افراد دارای صلاحیت برای عضویت در هیأت مدیره با توجه به شرایطی که به تصویب هیأت مدیره رسیده است؛
- انتخاب، یا پیشنهاد به هیأت مدیره برای انتخاب نامزدهای مدیریت برای مجمع سالیانه سهام‌داران آتی؛
- توسعه و پیشنهاد به هیئت مدیره برای وضع راهنماهای حاکمیت شرکتی برای شرکت؛
- نظارت بر ارزیابی مدیران و مدیریت اجرایی و همچنین ارائه گزارش سالیانه عملکرد کمیته به هیأت مدیره.

[۲] UK corporate governance code. B.2.1.

[۳] UK corporate governance code. B.2.2.

بینی نکرده است. بنابراین، به دلیل اینکه آیین‌نامه فوق‌الذکر هنوز به تصویب سازمان بورس و اوراق بهادار نرسیده است، عملاً مقرره الزام‌آوری در این زمینه وجود ندارد.

۳-۳-۳. کمیته حقوق و مزایا[1]

قانون داد فرانک الزاماتی را برای تشکیل و کارکرد کمیته جبران در نظر گرفته است. الزامات این قانون از طریق قواعد وضع شده توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار و همچنین الزامات پذیرش بورس‌ها عملیاتی می‌شود. قانون ساربنز-آکسلی، مفادی در مورد کمیته جبران ندارد. بر اساس بخش ۹۵۲ از قانون داد فرانک، کمیسیون بورس و اوارق بهادار باید قواعدی را وضع کند که بورس‌ها را مکلف کند تا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌ها را ملزم به داشتن کمیته جبران با اعضای مستقل نماید. تعریف مفهوم استقلال، با در نظر گرفتن ملاحظاتی خواهد بود که گفتار اول از این مبحث، بیان شد. بخش ۹۵۲ قانون داد فرانک همچنین، الزاماتی را در مورد مشاوران کمیته جبران در نظر گرفته است. قواعدی که قانون داد فرانک به آن‌ها اشاره دارد، در سال ۲۰۱۲ تحت عنوان «استانداردهای پذیرش برای کمیته‌های جبران[2]» توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار وضع شده است.

بر مبنای قواعد وضع شده توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار، الزامات پذیرش بورس نیویورک، همه شرکت‌های پذیرفته شده را ملزم می‌کند کمیته جبران داشته باشند

---

[1] ۱. اگرچه ترجمه لفظی عبارت «Compensation Committee» کمیته جبران است اما به دلیل انطباق با وظایف این کمیته عبارت «کمیته حقوق و مزایا» انتخاب شده است.

[2] ۲. LISTING STANDARDS FOR COMPENSATION COMMITTEES

که همه اعضای آن باید از مدیران مستقل باشند.[1] کمیته جبران باید یک «دستورالعمل[2]» داشته باشد که مفاد آن در بخش‌های مختلف الزامات تعیین شده است. از جمله وظاف این کمیته عبارت است از:

- بازبینی و تأیید اهداف شرکت مرتبط با جبران مدیرعامل، ارزیابی عملکرد مدیرعامل بر اساس این اهداف، تعیین سطح حقوق مدیرعامل توسط خود کمیته یا با همکاری سایر مدیران مستقل که توسط هیأت مدیره تعیین می‌شوند؛[3]
- ارائه پیشنهاد به هیأت مدیره در مورد جبران خدمات مدیران موظف به غیر از مدیرعامل و طرح‌های انگیزشی و طرح‌های مبتنی بر سهام؛[4]
- تهیه گزارش‌هایی که طبق قوانین و مقررات و بخصوص قانون ساربنز-آکسلی جهت درج در گزارش سالیانه لازم است؛

- در نهایت ارزیابی سالیانه عملکرد کمیته و ارائه گزارش آن به هیأت مدیره.

در انگلستان بر اساس استانداردهای حاکمیت شرکتی، هیأت مدیره باید کمیته حق‌الزحمه[5] را با حداقل سه عضو یا در شرکت‌های کوچک‌تر دو عضو از مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد. در صورتی که رئیس هیأت مدیره نیز مستقل شناخته شود، می‌تواند به ریاست کمیته انتخاب شود. کمیته حق‌الزحمه باید شرایط فعالیت خود شامل نقش‌ها و مسؤولیت‌هایی که توسط هیأت مدیره به او واگذار شده است را در دسترس

---

[1] NYSE Listed Company Manual Section 303A.05 (a).

[2] Charter

[3] Commentary to NYSE Listed Company Manual Section 303A.05.

[4] NYSE Listed Company Manual Section 303A.08.

[5] remuneration committee

عموم قرار دهد. در صورتی که مشاوران حق‌الزحمه منصوب شوند، این افراد باید در گزارش سالیانه معرفی شده و همچنین بیان شود که آیا دارای ارتباط با شرکت هستند یا خیر.[۱]

در ایران، بر اساس آیین‌نامه راهبری شرکتی پیشنهادی شرکت بورس، کمیته دیگری که تحت نظر هیأت‌مدیره فعالیت می‌کند. کمیته جبران خدمات یا کمیته حقوق و مزایا نام دارد. اعضای کمیته مرکب از پنج نفر شامل سه عضو موظف هیأت‌مدیره، مدیرعامل و معاون پشتیبانی یا کارشناس خبره منابع انسانی است. سه عضوی موظف کمیته توسط هیأت‌مدیره انتخاب می‌شوند. هدف از تشکیل این کمیته، نیابت از هیأت‌مدیره در ارتباط با برنامه‌ریزی پرداخت حق‌الزحمه و جانشینی مدیرعامل شرکت، ارائه گزارش سالیانه در مورد حق‌الزحمه هیأتمدیره و مدیرعامل برای درج در گزارش سالیانه طبق قوانین و مقررات لازم‌الاجرا، اعمال نظارت بر کلیه مزایای پرداختی به کارکنان شرکت و هم‌چنین سرپرستی و نظارت بر شیوه‌های اجرایی پرداخت و طرح‌های تشویقی شرکت است.

مسؤولیت‌های این کمیته را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- تصویب اهداف و طرح‌های تشویقی کوتاه‌مدت و بلندمدت در مورد مدیرعامل، معاونان و مدیران موظف شرکت،
- تصویب حقوق و حق‌الزحمه تشویقی برای مدیران و کارکنان شرکت و سایر پرداخت‌های تشویقی از سوی شرکت،
- تصویب خط‌مشی‌ها و سیاست‌های استخدامی و قرارداد بازخرید در مورد معاونان و مدیران موظف شرکت،

---

[۱] UK corporate governance code D.2.1.

- نظارت بر طرح‌های واگذاری سهام و طرح‌های بازنشستگی،
- نظارت بر اجرای طرح‌های تشویقی مالکیت سهام و برنامه سهام تشویقی، نظارت بر اجرای طرح‌های جبران خدمات مدیران.

با این وجود همانگونه که گذشت به دلیل عدم تصویب این آیین‌نامه در سازمان بورس و اوراق بهادار، الزامی برای رعایت آن توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس وجود ندارد.

۴. الزامات ناظر بر حسابرسی

یکی دیگر از مبانی و اصول حاکمیت شرکتی، لزوم حسابرسی داخلی و خارجی مستقل برای شرکت است. در ایالات‌متحده، در راستای نظام کنترل داخلی که در قانون ۱۹۳٤ مورد تأکید قرارگرفته، بورس‌ها شرکت را ملزم به ایجاد واحد حسابرسی داخلی کرده‌اند که زیر نظر کمیته حسابرسی فعالیت می‌کند. این حسابرسی، علاوه بر حسابرسی خارجی است که توسط حسابرسان مورد تأیید هیأت نظارت بر شرکت‌های حسابرسی عمومی، انجام می‌گیرد. در انگلستان، حسابرسی داخلی علاوه بر آنچه حسابرسی قانونی خوانده می‌شود پیش‌بینی‌نشده است. در حقوق ایران، با سه عنوان بازرس قانونی، حسابرس مستقل و حسابرس داخلی مواجه هستیم. اگرچه عبارت حسابرس مستقل در قوانین و مقررات تعریف نشده است (البته شرایط استقلال در دستورالعمل حسابرسان معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار آمده است)، اما توجه به وظایف این حسابرسان در اساسنامه نمونه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس نشان می‌دهد که حسابرس مستقل، همان بازرس قانونی شرکت است که اولاً وظایف جدیدی را بر اساس اساسنامه شرکت بر عهده دارد، ثانیاً صلاحیت حرفه‌ای او باید به تأیید سازمان بورس و

اوراق بهادار برسد. علاوه بر این، لزوم ایجاد واحد حسابرسی داخلی برای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس الزامی است.

۴-۱. حسابرسان داخلی[۱]

بر اساس الزامات پذیرش بورس نیویورک، هر شرکت پذیرفته شده باید حسابرسی داخلی داشته باشد. کمیته حسابرسی باید بر عملکرد این حسابرس نظارت کند.[۲] در گذشته، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ملزم نبودند که حسابرس داخلی داشته باشند. به‌عبارت‌دیگر، کمیته‌های حسابرسی تمام اطلاعات را از مقامات شرکت ارشد شرکت یا حسابرسان خارجی دریافت می‌کردند. در حال حاضر، تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس باید یک حسابرس داخلی داشته باشند که در دسترس کمیته حسابرسی برای رسیدگی و دیگر اطلاعات باشد.

اگرچه حسابرسی داخلی در قوانین و مقررات ایالات متحده تعریف نشده است، اما آن را می‌توان بخشی از «نظام کنترل داخلی[۳]» دانست که بر اساس قانون ساربنز-آکسلی اجباری شده و مدیران شرکت مسؤول اجرای آن شناخته شده‌اند.[٤] مؤسسه حسابرسان

---

[۱] Internal auditing

[۲] NYSE Listed Company Manual Section 303A.07(c).

[۳] Internal control

[٤] SEC. 302. (a)(4)(B)

داخلی[۱] در آمریکا، هر ساله استانداردهایی را برای ارتقای حسابرسی داخلی شرکت‌ها منتشر می‌کند.[۲] این مؤسسه حسابرسی داخلی را به شرح زیر تعریف می‌کند:

«یک فعالیت مستقل و مشاوره‌ای، مبتنی بر اطمینان عینی که جهت افزودن ارزش و بهبود کارکرد سازمان‌ها طراحی شده است. این فعالیت، به سازمان برای تحقق اهدافش از طریق ارائه یک رویکرد منظم و سیستماتیک برای ارزیابی کارآیی مدیریت ریسک، فرآیند کنترل و فرآیند حاکمیت کمک می‌کند».[۳] بنابراین، همانطور که ملاحظه می‌شود، نظام حسابرسی داخلی بر سه بنیان مدیریت خطر (ریسک)، کنترل و حاکمیت شرکت استوار است.

در حقوق ایران، با توجه به تصویب «منشور فعالیت حسابرسی داخلی شرکت‌های سهامی عام»، ایجاد حسابرسی داخلی برای شرکت‌های بورس و فرابورس الزامی شده است. هدف از تشکیل واحد حسابرسی داخلی، ارائه خدمات اطمینان‌دهی و مشاوره‌ای مستقل و بی طرفانه به منظور ارزش‌افزایی و بهبود عملیات شرکت است.[٤] واحد حسابرسی داخلی زیرنظر کمیته حسابرسی فعالیت می‌کند و مدیر آن به پیشنهاد کمیته حسابرسی و توسط هیأت مدیره منصوب می‌شود.[٥]

بررسی وظایف و مسؤولیت‌های حسابرس داخلی (ماده ٦ دستورالعمل) و وظایف بازرس در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ١٣٤٧ نشان می‌دهد، این دو

---

[۱] Institute of internal auditors

[۲] https://na.theiia.org/

[۳] https:// na.theiia.org/ standards-guidance/ mandatory-guidance/ Pages/ Definition-of-Internal-Auditing.aspx

[٤] ماده ١ دستورالعمل منشور فعالیت حسابرسی داخلی.

[٥] ماده ٧ دستورالعمل منشور حسابرسی داخلی

عنوان با یکدیگر از لحاظ نقش‌ها و مسؤولیت‌ها تفاوت دارند. چه اینکه، بازرس وظیفه دارد در مورد صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران تهیه می‌کنند اظهار نظر کند، در حالی که حسابرس داخلی علاوه بر اینکه نظام کنترل داخلی شرکت را رصد می‌کند، به اقتضا می‌تواند گزارش‌های مورد درخواست هیأت مدیره در مورد وضعیت حساب شرکت را در دوره‌های منظم تهیه کند. در واقع، حسابرسی داخلی را می‌توان ابزار هیأت مدیره (با وساطت کمیته حسابرسی) برای تهیه گزارش‌های حسابرسی و کنترل‌های داخلی شرکت دانست. بر این اساس است که یکی از وظایف حسابرسی داخلی در مقابل کمیته حسابرسی، ارائه گزارش‌های حسابرسی داخلی با رعایت استانداردهای داخلی یا بی‌المللی مربوطه است (بندهای ٦ و ٧ ماده ٨ دستورالعمل کمیته حسابرسی).

۴-۲.حسابرس مستقل

در انگلستان، قانون شرکت‌های ٢٠٠٦ در بخش ١٦ به موضوع حسابرس[۱] پرداخته است.[۲]بر اساس بند اول از ماده ٤٧٥ قانون یادشده، حساب‌های سالانه شرکت برای یک سال باید مورد حسابرسی واقع شود، مگر اینکه از جمله موارد استثنای مواد ٤٧٧ (شرکت‌های کوچک) یا ٤٨٠ (شرکت‌های غیرفعال[۳]) باشند. در مورد انتخاب حسابرس

---

[۱] Auditor

[۲] تفاوت بازرس و حسابرس در این است که حسابرسان امور مالی روزمره شرکت را انجام داده و مدیریت می‌کنند درحالی‌که بازرس علاوه بر اینکه ممکن است این وظایف را انجام دهد، گزارش حسابرس را بازبینی می‌کند. http://www.topaccountingdegrees.org/faq/what-is-the-difference-between-an-accountant-and-an-auditor/

[۳] Dormant companies

شرکت‌های عمومی، بند ۱ از ماده ٤٨٩ مقرر کرده است، حسابرس یا حسابرسان شرکت باید در هر سال مالی انتخاب شوند. علی‌الاصول مجمع عمومی سهام‌داران حسابرس شرکت را انتخاب می‌کنند[1]

در ایران، ماده ۱۰ «دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار»، اشخاص حقوقی[2] را مکلف کرده حسابرس مستقل و بازرس قانونی خود را از میان فهرست مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان انتخاب کنند. در مورد این الزام لازم به توضیح است که در صدر ماده اشخاص حقوقی ملکف به انتخاب «حسابرس مستقل و بازرس قانونی» از میان مؤسسات حسابرسی معتمد هستند. اگرچه در قوانین و مقررات مرتبط با بازار سرمایه، لزوم انتخاب حسابرس مستقل علاوه بر تکلیف قانونی به انتخاب بازرس وجود ندارد، اما اساسنامه نمونه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به‌گونه‌ای طراحی شده که این ابهام را مرتفع می‌کند. در ماده ٤٥ «اساسنامه نمونه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار» مصوب سال ١٣٨٦ توسط هیأت مدیره سازمان، مقرر شده است مجمع عمومی بازرسان را از میان موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس انتخاب کند. همچنین، در ماده ٤٦ این مصوبه، تکالیفی علاوه بر تکالیف مقرر در قانون تجارت برای حسابرس وضع شده که عبارت است از:

---

[1] Uk companies act 2006, 489 (4)

[2] شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار یا بازارهای خارج از بورس، شرکت‌های فرعی شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان یا متقاضی پذیرش در بورس اوراق بهادار یا بازارهای خارج از بورس، شرکت‌های سهامی عام با عرضه عمومی،نهادهای مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار، حسابرسی طرح‌هایی که متقاضی انتشار عمومی اوراق مشارکت مشمول ثبت نزد سازمان هستند.

- اظهار نظر در مورد صورت‌های مالی بر اساس استانداردهای حسابرسی و حسابرسی ملی و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی مصوب سازمان بورس و اوراق بهادار،
- ارائه گزارش به مجمع عمومی راجع به رعایت یا عدم رعایت قوانین و مقررات توسط مدیران.

بنابراین، حسابرسان معتمد علاوه بر تکالیفی که بر اساس ماده ٤٨ ، ١٥٠ و ١٥١ لایحه اصلاحی قانون تجارت در مورد تأیید صحت و درستی صورت‌های مالی مذکور در ماده ١٤٨، اظهار نظر در مورد صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی قرار می‌دهند، اطمینان از رعایت حقوق صاحبان سهام، گزارش جامع راجع به وضع شرکت و گزارش تخلف و تقصیر مدیران و مدیرعامل به مجمع عمومی و سایر تکالیف، بر عهده ایشان گذاشته شده، باید انطباق صورت‌های مالی با استانداردهای حسابداری و حسابرسی و رعایت یا عدم رعایت قوانین و مقررات را نیز به مجمع گزارش کنند. لذا به نظر می‌رسد که عبارت حسابرس مستقل، به بازرس قانونی اشاره دارد که این تکالیف جدید را نیز عهده دار می‌شود.

۵. نتیجه

مطالعه حقوق کشورهای مختلف نشان می‌دهد در مورد قواعد حاکمیت شرکتی، دو رویکرد را می‌توان ملاحظه کرد. در برخی کشورها مانند انگلستان، رویکرد اصول محور اتخاذ شده است. در این کشورها، اصول راهنماهایی به نام استانداردهای حاکمیت شرکتی منتشر شده و شرکت‌ها تشویق به رعایت این اصول شده‌اند. بر اساس قاعده

«منطبق شو یا توضیح بده» چنانچه شرکت‌ها ساختارهای حاکمیت شرکتی خود را با این استانداردها تطبیق ندهند، باید دلیل عدم تطبیق را به مجمع عمومی سهامداران گزارش کنند. در کشورهای دسته دوم مانند ایالات متحده، رویکرد حاکمیت شرکتی وضع قواعد آمره برای شرکت‌ها است. این رویکرد با عنوان «قاعده محور» نیز شناخته می‌شود. بررسی مقررات حاکم بر شرکت‌های سهامی در حقوق ایران که متشکل از قواعد لایحه اصلاحی قانون تجارت و قوانین و مقررات بازار سرمایه است نشان می‌دهد رویکرد بکارگرفته شده در تدوین این قوانین و مقررات به رویکرد ایالات متحده نزدیک‌تر است.

نتایج تحقیق که در مورد الزامات حاکمیت شرکتی در دو حوزه الزامات ناظر بر ارکان اداره و الزامات ناظر بر حسابرسی از شرکت بیانگر این مطلب است که اگرچه در حقوق کشورهای ایالات متحده و انگلستان، قواعد جامعی در مورد استقلال مدیران، کمیته‌های هیأت مدیره، حسابرسی داخلی و مستقل و قواعد حاکم بر حمایت از سهامداران خرد وضع شده است، اما در ایران قواعد حاکمیت شرکتی به‌طور مجزا و متشتت در برخی از مواد لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت و دستورالعمل‌ها و مقررات بورسی آمده است و به این دلیل، جستجو و اعمال آن با مشکلاتی روبه‌رو است. در نهایت پیشنهاد می‌شود، الزامات حاکمیت شرکتی در قالب قانون مستقلی تحت عنوان «قانون حاکمیت شرکتی شرکت‌های سهامی» به تصویب برسد. این قانون باید شامل سرفصل‌های زیر باشد: تعریف مفهوم استقلال مدیر و الزام به اکثریت اعضای مستقل در هیأت مدیره، تفکیک پست مدیرعامل از رئیس هیأت‌مدیره (اصلاح ماده ۱۲٤ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳٤۷)، الزام به ایجاد کمیته حسابرسی با اکثریت اعضای مستقل و اختیاری بودن ایجاد کمیته‌های حقوق و مزایا و تعیین نامزدها، لزوم ایجاد رکن حسابرس داخلی در شرکت‌های سهامی، جایگزینی مفهوم بازرس با مفهوم حسابرس مستقل در لایحه اصلاح

قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، الزام به استقلال حسابرس و بازنویسی و توسعه وظایف حسابرس/بازرس و رعایت الزامات افشا جهت حمایت از حقوق سهام‌داران بالاخص سهامداران اقلیت.

۶. منابع

۶-۱. فارسی

الف) کتب و مقالات

۱. پورسید، سید بهزاد، سید محمد رضا حسینی و لیلا سهرابی، «راهکارهای بهبود نظام حاکمیت شرکتی ایران، با تأکید بر شاخص حمایت از سهام‌داران خرد بانک جهانی»، *پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۲۱، شماره ۸۱، ۱۳۹۵.

۲. حسینی، سید محمدرضا و روح الله کهن هوش نژاد، *حقوق و اقتصاد کسب و کار*، تهران، نشر چالش، ۱۳۹۶.

۳. رهبری، مهسا، *اصول حاکمیت شرکتی*، تهران، شرکت اطلاع رسانی بورس، ۱۳۹۰.

٤. مشایخی، بیتا و مهین شاکری، *راهبری شرکتی، مفاهیم و مورد کاوی*. تهران، انتشارات بورس، ۱۳۹۳

۵. ندری، کامران و سید محمدرضا حسینی، «تأثیر حمایت از حقوق مالکیت سهامداران خُرد بر ارزش بازار سرمایه کشورهای منتخب با استفاده از روش پانل دیتا، توصیه‌هایی برای قوانین و مقررات بازار سرمایهٔ ایران»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی – اسلامی*، ش ٤، ۱۳۹٤.

٦. یحیی‌پور، جمشید، «مطالعه تطبیقی مدل‌های حاکمیت شرکتی و ارائه مدل مناسب برای حاکمیت شرکتی حقوق شرکت‌های سهامی ایران.»، *فصلنامه بورس و اوراق بهادار*، ١٣٩٤.

٧. یگانه، یحیی حساس، *فلسفه حسابرسی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.، ١٣٨٤.

ب. قوانین و مقررات

٨. قانون بازار اوراق بهادار مصوب ١٣٨٤،

٩. قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی مصوب ١٣٨٨ مجلس شورای اسلامی

١٠. لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ١٣٤٧،

١١. اساسنامه نمونه شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، ١٣٨٦.

١٢. دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان، ١٣٨٦

١٣. دستورالعمل الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته ناشران بورسی و فرابورسی ١٣٩٠،

١٤. دستورالعمل منشور فعالیت حسابرسی داخلی شرکت های سهامی عام نمونه پذیرفته شده در بورس و فرابورس، ١٣٩١.

١٥. دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان، ١٣٨٦.

١٦. دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار شورای عالی بورس ، ١٣٩٠.

١٧. منشور کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) مصوب ١٣٩١/١١/٢٣

۱۸. اصول ۱۴ گانه حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی بال، که در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۱۹ طی نامه شماره ۹۴/۳۸۸۶۸ به‌عنوان رهنمود ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۱۹. مدل نظارتی بانک مرکزی اسپانیا، که در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲ به شماره نامه ۹۳/۸۵۴۷۰ جهت ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۲۰. دستورالعمل حاکمیت شرکتی بانک مرکزی موریس، که در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۴ طی شماره نامه ۹۳/۱۲۱۲۸۹، جهت ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۲۱. مقررات مربوط به سیستم‌های داخلی و کنترل داخلی بانک‌ها در کشور ترکیه، که در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲ طی نامه شماره ۹۵/۱۳۵۸۰۰، جهت ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۲۲. سند همگرایی بین‌المللی درزمینهٔ استانداردها و اندازه‌گیری سرمایه بانک‌ها (توافقنامه بال ۲)، که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ طی نامه شماره ۹۴/۲۹۶۳۴۸ جهت ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۲۳. ترجمه سند بال ۲، که در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ طی نامه شماره ۹۵/۱۵۱۷۰۰، جهت ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۲۴. اصول اساسی برای نظارت مؤثر، که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۹ طی نامه شماره ۹۳/۳۳۰۴۶۲، جهت ارتقای نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها ارسال گردیده است.

۲۵. بخشنامه الزام‌آور صورت‌های مالی نمونه، در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ به شماره ۹۴/۳۴۳۷۲۳، جهت اجرا و تنظیم صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ و سال‌های آتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تحت نظارت بانک مرکزی ابلاغ گردیده است.

۲٦. راهکارهای بومی‌سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران، که در تاریخ ۱۳۸۷/٤/۱۵ به شماره نامه ۱۵۲٦ به اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی ارسال گردیده است.

۲۷. مصوبه شورای پول و اعتبار با عنوان «ضوابط ناظر بر حداقل استانداردهای شفافیت و انتشار عمومی اطلاعات توسط مؤسسات اعتباری»، که در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲ طی شماره نامه ۹۳/۱۲۰۲۹۳ جهت اجرا به اشخاص تحت نظارت بانک مرکزی ابلاغ گردیده است.

۲۸. ممنوعیت تصدی هم‌زمان پست مدیرعامل و ریاست هیئت‌مدیره توسط یک نفر در بانک‌های خصوصی، بانک‌های دولتی خصوصی شده (صادرات ایران، ملت، تجارت، رفاه کارگران و ...) و مؤسسات اعتباری غیر بانکی، مصوبه شورای پول و اعتبار، ۱۳۹۰/۷/۱۲.

۲۹. مصوبه شورای عالی بیمه در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۹ در مورد صورت‌های مالی نمونه، در اجرای ماده ٦۲ قانون تأسیس بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بیمه‌گری.

۳۰. مصوبه شورای عالی بیمه با عنوان «آیین‌نامه نحوه احراز صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی و عملیاتی مؤسسات بیمه» در تاریخ ۱۳۹٤/۳/۲٦.

۳۱. مصوبه هیئت عامل بیمه مرکزی جمهوری اسلامی (آیین‌نامه شماره ۹۰ مصوب شورای عالی بیمه)، «دستورالعمل بررسی صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی مؤسسات بیمه»، در تاریخ ۱۳۹٤/۷/۱۲.

۳۲. مصوبه شورای عالی بیمه با عنوان »آیین‌نامه گزارشگری و افشای اطلاعات مؤسسات بیمه» در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۵.

۴-۲. انگلیسی

الف) کتب و مقالات

33. Du Plessis, Jean Jacques, Anil Hargovan, and Mirko Bagaric.. *Principles of contemporary corporate governance:* Cambridge University Press .2010.
34. Mallin, Chris A.. *Handbook on international corporate governance: country analyses*. 2nd Ed, Elgar original reference. Cheltenham, UK; Northampton, MA: Edward Elgar. 2011
35. Naciri, Ahmed.. *Corporate governance around the world*: Routledge. 2008
36. Rezaee, Zabihollah.. *Corporate governance and ethics*: John Wiley & Sons. 2008.
37. Tricker, RI Bob.. *Corporate governance: Principles, policies, and practices*: OUP Oxford. 2015

ب) قوانین و مقررات

38. The US NYSE Listed Company Manual 2014
39. The Dodd–Frank Wall Street Reform and Consumer Protection Act 2010, US
40. The Investment Advisers Act of 1940, US
41. The investment company act 1940, US
42. The Securities Act of 1933 (the “1933 Act”), US
43. The Securities Exchange Act of 1934 (the “1934 Act”), US
44. The Trust Indenture Act of 1939, US
45. The UK Combined code 2010
46. The UK Corporate Governance Code 2014
47. The UK Financial Service Act 2012
48. The UK Financial Services Act 2012
49. The UK Financial Services and Markets Act 2000 (“FSMA”)
50. The US Bank Secrecy Act 1970
51. The US National Securities Market Improvement Act 1996

52. The US Uniform Securities Act 1956
53. The US, Model Business Corporation Act (MBCA), 2002.
54. UK companies act 2006